

حکایت برق دار شدن شهر چراغ نفتی ها ...

۳۰ مهر ۱۳۹۳ ساعت ۱۴:۰۳

در جریان حفاری در بغداد ، اولین پیل های الکتریسته جهان را در کلبه یک کیمیاگر اشکانی پیدا کردند ، دیگر خیلی هم سخت نبود گفتن اینکه اشکانیان که آن روزها عراق در مجموعه سرزمین هایشان بود ، اولین کاشفان الکتریسته هستند . گرچه کیمیاگران اشکانی که با کمک پیل های الکتریکی طلاکاری می کردند ، رازهای مگوشان را به آنها که بعد از خودشان آمدند ، انتقال ندادند و برای همین بود که طلاکاری با کمک الکتریسته مثل یک افسانه باستانی قدیمی برای همیشه در کلبه کیمیاگران اشکانی مدفون شد .

یکی از اولین کتاب هایی که به فارسی در دارالفنون تدریس شد ، کتاب فیزیکی بود که محمد علی فروغی نوشت . کتابی درباره اشعه کاتودیک ، اشعه ایکس و ... ۱۰۰ سال بعد وقتی باستان شناسان اروپایی ، در جریان حفاری در بغداد ، اولین پیل های الکتریسته جهان را در کلبه یک کیمیاگر اشکانی پیدا کردند ، دیگر خیلی هم سخت نبود گفتن اینکه اشکانیان که آن روزها عراق در مجموعه سرزمین هایشان بود ، اولین کاشفان الکتریسته هستند . گرچه کیمیاگران اشکانی که با کمک پیل های الکتریکی طلاکاری می کردند ، رازهای مگوشان را به آنها که بعد از خودشان آمدند ، انتقال ندادند و برای همین بود که طلاکاری با کمک الکتریسته مثل یک افسانه باستانی قدیمی برای همیشه در کلبه کیمیاگران اشکانی مدفون شد . ناصرالدین شاه در سفرنامه فرنگ می نویسد : (برای چراغ برقی که الکتریسته می گویند ، قوه چرخ الماس است . یک نفر مهندس ، روسیه که اسمش پابلو جوکوف است این اختراع عجیب را کرده است و در پاریس رواج داده . در خود شهر پطر "سن پترزبورگ" یا جای دیگر فرنگستان هنوز رواجی ندارد ، مگر همین کوچه در پاریس به قدر ۶۰ فانوس از این چراغ می سوزد و کوچه را مثل روز روشن کرده است) (برق یا همان الکتریک محصول سفر دوم ناصرالدین شاه به فرنگ بود . تاج السلطنه شاهزاده قجر در خاطراتش می نویسد : (چراغ الکتریسیته که تازه اختراع شده بود ، تمام عمارت سلطنتی را چراغ الکتریسیته کشیده بودند . به واسطه وسعت مکان ، پدر اینجا را انتخاب کرده بودند . این بازی عبارت بود از خاموش کردن چراغ در تاریکی . حکم قطعی داشتند در آزادی که همدیگر را کتک بزنند . کور کنند ، سر بشکنند ، دست بشکنند ... مختار بودند . تمام خانم ها در اول شروع در تالار می نشستند . پدرم روی صندلی کنار دکمه چراغ می نشست . همین طور که اینها مشغول بودند ، چراغ را خاموش می کردند . وقتی هرج و مرج و شیون بالا گرفته بود ، چراغ را روشن می کردند . لباس ها پاره ، گونه ها خون آلود ، صورت ها موحش ، موها پریشان و چشم ها از غضب سرخ)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۸۸۵/نفتی-چراغ-شهر-شدن-دار-برق-حکایت>